

شرق

روزنامه

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۹ • ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۵ نوامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۵۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۴
اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

بخش‌هایی از رودخانه زاینده‌رود توسط تیم قایقرانی نجات در سیلاب و آب‌های خروشان از زیاله پاکسازی شد. عکس: خدیجه نادری، مهر



برنده آبی

دعا برای برنده‌شدن

شبکه‌های اجتماعی در ۲۸ ساعت گذشته بیش از هر چیز مکانی برای سخن‌گفتن درباره انتخابات آمریکا بود. تنش‌ها، دعواها، بارکشی‌ها، اتهام‌ها و طرفداری‌هایی که از دو نامزد این انتخابات شد. این شوی بزرگ درباره انتخاب بود. حدس زده می‌شود انتخابات این دوره حدود شش میلیارد دلار خرج برداشته باشد. ترامپ سه میلیون دلار خرج وسایل تبلیغاتی خود کرده است و به‌جای صرف هزینه برای تبلیغات تلویزیونی مانند

نامزد دموکرات در شبکه‌های اجتماعی هزینه کرده است. انتخابات امسال که به دلیل پستی‌بودن رای‌ها هنوز نتیجه آن مشخص نشده است اما پر بود از صحنه‌های تأثیرگذار. دعا و نیایش در کشورها و شهرهای مختلف از صحنه‌های مشترک این انتخابات بود. چه بایدن که در روز پیش از رای‌گیری به کلیسا رفت و تعدادی از زنان و مردان هندی در زادگاه کامالا هریس شروع به دعا و نیایش کرده بودند. دراین‌میان بازهم نظرسنجی‌ها درست عمل نکردند، البته تعدادی از نظرسنجی‌ها در پیش از انتخابات مانند

اگرچه تا پیش از همه‌گیرشدن جهانی بیماری کووید۱۹ زندگی سروسامانی نداشت، حتی سخت‌گیرترین مدیران بحران هم می‌توانستند تصویری از چالش‌های پیش‌روی بشر مانند تغییرات اقلیمی، بلایای طبیعی و احتمال جنگ‌های منطقه‌ای را بدهند؛ اما جهش‌هایی که ویروس کرونا می‌کند و بالا و پایین‌شدن ارقام ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از آن، امکان تصویرسازی آینده را تقریباً غیرممکن کرده است.

اکنون در شرایطی زندگی می‌کنیم که نمی‌دانیم دقیقاً هفته آینده ممکن است چه اتفاقی بیفتد؟ حتی در سطح فردی نیز کسی که مجبور به رفت‌وآمد در محدودیت‌های کرونایی است، نمی‌تواند مطمئن باشد تا چند روز آینده سالم و سریا خواهد بود یا نه؟ تحمل عدم قطعیت برای آدم‌هایی که به نظمی طبیعی و اجتماعی خو کرده‌اند، سخت و دشوار است. از آن بدتر، اجبار به تنهایی و انزواپی است که به سبب سیاست فاصله‌گیری اجتماعی بر آدم‌ها تحمیل شده و امکان تقسیم درد و نگرانی را در جمع‌های بزرگ‌تر از میان برده است.

اگرچه اکنون مجهز به امکانات ارتباطی نوین هستیم و بخشی از وقت خود را در فضای مجازی می‌گذرانیم، اما همه فهمیده‌ایم که هیچ چیزی حتی پیشرفته‌ترین ابزارها نیز نمی‌تواند جای فضای واقعی را بگیرد؛ فضای بو، مزه، تصاویر سه‌بعدی، لمس و درآغوش گرفتن. تاکنون هیچ راه‌حلی برای بازگشت به شرایط عادی ارائه نشده است و نمی‌دانیم اصلاً فرصتی برای تجدید دیدار با دوستان و آشنایانی که پس از کرونا ندیده‌ایم، داریم یا نه؟ از آنجایی که ویروس

کرونا، عدم قطعیت و حرمت طبیعت

گستره‌ای جهانی دارد، کسی هم نیست که در ساحلی امن، در گوشه‌ای از این دنیا، پیام‌های شادی‌بخش و امیدوارکننده بفرستد. حتی خود همین انزواکرینی و قطع روابط بستر گرفتاری به بیماری‌های دیگری همچون افسردگی و اضطراب را فراهم کرده است. باید اعتراف کنیم که در بد محصه‌ای گیر کرده‌ایم. دارد کم‌کم فراموش‌مان می‌شود که تا پیش از کرونا چه می‌کردیم و دنیا چه شکلی داشت.

در هر حال، روشن است که قضیه کرونا زندگی ما را به دو بخش تقسیم کرده است؛ پیش و پس از کرونا. به احتمال خیلی زیاد و در نگاهی خوشبینانه، این هم آزمونی دیگر مانند آنفلوآنزای اسپانیایی در دهه دوم سده بیستم خواهد بود که با تلفاتی چندمیلیونی تمام می‌شود و ما اگر عمر باقی باشد، برمی‌گردیم به شرایط عادی؛ اما دیگر هیچ‌گاه آدم‌های سابق نخواهیم بود. برخی درس‌هایی که آموختیم، خوب نبودند؛ آموختیم خودخواه باشیم، از غریبه‌ها بترسیم و خرج خودمان را از بقیه جدا کنیم. باین‌حال این را هم یاد گرفتیم که همیشه آدم‌هایی هستند اهل ازخودگذشتگی و تلاش تا پای جان برای انجام وظایف حرفه‌ای خود؛ از کادر درمان گرفته تا کارگر شهرداری.

آنچه ما را تاکنون در این دنیا حفظ کرد و از موجودی ضعیف به رأس زنجیره غذایی رساند، به قول ویلیام فون هیل در کتاب خواندنی جهش اجتماعی، هنر همکاری‌کردن بود. درس کرونا، اگر درسی همراه داشته باشد، این است که باید با طبیعت هم همکاری کنیم. کرونا از بازار حیوان‌فروشی در ووهان چین آغاز شد؛ آنجایی که رسمی و قاچاق به خرید و فروش، کشتن، پوست‌کندن و پختن انواع جانوران مشغول بودند. اگر محصلان خوبی باشیم، یاد می‌گیریم که پایمان را از کلیم خودمان درازتر نکنیم و حدود حرمت طبیعت را رعایت کنیم.

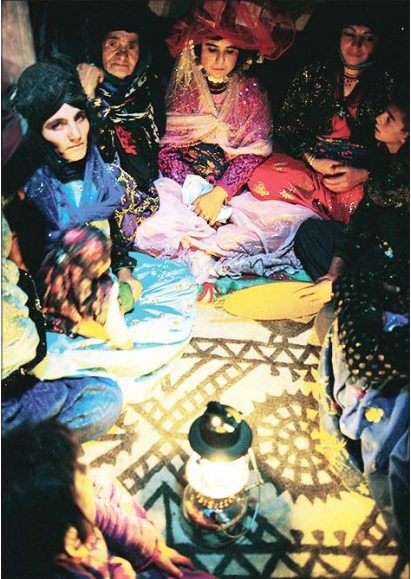
پیشنهاد

نمایشگاه نصرالله کسرا ئیان بر گزار می شود

ندیدمش. من خود دانشجویی کم‌بضاعت با هزار مسئله بودم و حال اگر زنده باشد، لایـد پیرزنی است همچون پیرمردی که منم». عکس دیگر، عکس نمایشگاهی است که حدود ۳۰ سال پیش در دفاع از حقوق زنان یا برابری حقوق زن و مرد در لندن برگزار شده و خودش در آنجا حضور نداشت. دیگری اما روایت زنی است که برای بار دوم سراغش رفته است؛ پس از سال‌ها و درباره‌اش چنین نوشته است: «و اما در حافظه من تنها چیزهای معینی می‌ماند. چیزی از چیزهایی، اسامی و عدد و رقم و تاریخ، جای اندکی در آن دارند. بیش از هر چیز تصویر است که می‌ماند... چهره آنا، زنی ترکمن که وقتی عکسش را می‌گرفتم، پلک‌هایش لرزشی خفیف داشت، آغـِج هـِکل (آغـِش) آن دختر جوان ۱۶، ۱۷ساله که بنا بر رسمی طایفه‌ای به عقد پسری هشت‌ساله درش آورده بودند و وقتی بار دوم به دیدنش رفتم تا نسخه‌ای از عکسی را که در سفر قبل گرفته بودم به او بدهم، جوابش را با دادن گردنبند ساده‌ای آغشته به کلاب داد؛ آن دختر خردسالی که یک پایش لنگ بود و چشم‌هایش قدری تابه‌تا و غروبی، در خلستانـی نزدیک بندر لنگه به حالتـی نشسته خرده‌چوب‌ها را برای سوخت جمع می‌کرد و من وقتی عکس می‌گرفتم، به آینده‌اش فکر می‌کردم و هنوز هم پس از گذشت ده‌ها سال اسلایدش را از روی میز نورم برداشته‌ام که مبادا یادم برود».

افتتاحیه این نمایشگاه عکس ۱۶ آبان از ساعت چهار تا هشت بعدازظهر است و تا سوم آذر ادامه دارد. ساعات بازدید نیز از دوشنبه تا پنجشنبه یک تا شش بعدازظهر و روزهای جمعه چهار تا هشت بعدازظهر خواهد بود.

علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند به آدرس خیابان نوفل‌لوشاتو، کوچه لولاگر، پلاک ۵ (روودی حیاط) مراجعه کنند.



... و بالاخره یک روز که دیگر طاقتم طاق شده بود، توسط خواهرم برای دختر همسایه پیامی فرستادم تقریباً به این مضمون: «شما خیلی خوشگل می‌باشید!». دو سه ساعت نگذشته مادرم صدایم کرد. نصرالله حقیقت دارد که به دختر همسایه متلک گفته‌ای؟ ناپود شدم، ناپود! و نه فقط از شرم... در آن لحظه فقط یک آرزو داشتم؛ اینکه زمین دهان باز کند و مرا بلعد...».

کسرا ئیان که به‌جز عکاسی دستی در نویسندگی و ترجمه نیز دارد، برای هر عکس شرحی جذاب نوشته است: برای یکی نوشته «... خانواده‌اش اتاقی را در خانه یکی از خویشان‌ودانمان اجاره کرده بودند و من برای دیدار آن خویشان‌ود رفته بودم. موقع برگشتن هنگام عبور از داخل حیاط دیدمش، از همان فاصله‌ای که عکس گرفتم، عاشق شدم. نه کلمه‌ای بین‌مان ردوبدل شد و نه خواستم بدانم کیست. هیچ‌گاه هم دیگر

تحلیل

قتل عام شیزیان کویر



اسماعیل کهرم

● حتما ویدئوی معروف این روزها را دیده‌اید که یک خودروی آفرود در کویر مرنجاب یک بز کوهی نگون‌بخت را چنان می‌ترساند و تعقیب می‌کند که حیوان از پا می‌افتد و جانش را از دست می‌دهد. ویدئوی ناراحت‌کننده و حتی ترسناک که از وضعیت بد حیات وحش در ایران و سیاست‌های ضعیف حمایتی از آنها خبر می‌دهد. مسئله‌ای که موجب می‌شود چند جوان آفرودسوار با افتخار حتی فیلم جانیت‌شان از تلف‌کردن یک حیوان را ضبط و در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنند و احتمالا به دنبال معروف‌شدن هم باشند. چراکه در سایه یک سازمان حفاظت از محیط زیست منفعل باید منتظر باشیم که چنین اتفاقاتی رخ بدهد. ما با سازمانی مواجه هستیم که رئیس آن سه‌سال‌ونیم پیش وقتی منصوب شد گفت «ما برای چهارتا یوزپلنگ مسئله آب را فراموش نمی‌کنیم». حتما می‌دانید که در فارسی استفاده از اصطلاحی مثل «چهارتا» برای تحقیر، کوچک‌شمردن و بی‌ارزش‌بودن موضوعی استفاده می‌شود. طبیعی است که وقتی رئیس سازمانی که قرار است از محیط زیست حفاظت کند چنین درباره حیات وحش این کشور حرف می‌زند، چند سال بعدش ببینیم که کسانی هم چنین آزادانه حیوانی را بکشند و از آن فیلم بگیرند. آن هم در کشوری که تاکنون ۱۴۳ نفر از محیط‌بانانش با همه کمبودها در راه حفظ محیط زیست و حیات وحش این کشور شهید شده‌اند. ایسن در حالی است که ما در ایران به اندازه یک چهارم از میزان واقعی محیط‌بان‌هایی که نیاز داریم را در اختیار داریم. یعنی حدود ۱۱ درصد از خاک ایران به عنوان مناطق چهارگانه در کنترل سازمان حفاظت از محیط زیست است ولی از نظر استانداردهای جهانی ما ریع چیزی که نیاز داریم محیطبان در اختیار داریم. این در حالی است که نیروهای محیطبان به اندازه کافی هم تجهیزات ندارند و از خودروی کافی برای پوشش مناطق تحت حفاظت‌شان برخوردار نیستند. همین مسئله موجب می‌شود که زیر نظر بچه‌های فداکار محیطبان چنین اتفاقاتی رخ دهد. اما



اگر از لایه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران حیات وحش این مملکت خارج شویم، سوی دیگر این ماجرا درباره رفتار گروهی است که در چند سال اخیر در ایران افزایش یافته‌اند و آن هم جمعیت آفرودسوارهایی است که با خودروهای‌شان کوه و جنگل و کویر را در می‌نورند. به نظر این مسئله هم مثل خیلی دیگر از مسائل وارداتی به فرهنگ و سبک زندگی مردم این مملکت تکنولوژی‌اش وارد شده اما فرهنگش نه و نتیجه‌اش می‌شود همین ویدئوی خجالت‌آور. در صحراهای بزرگ دنیا مثل آریزونا اغلب مسیرهایی برای آفرودسواران تعیین می‌شود و کسی نمی‌تواند خارج از آن مسیر راندگی کند. طبیعتا در ایران فعلا خبری از این مسئله نیست. شاید این ویدئو بهانه‌ای شود تا دلسوزی پیش‌قدم شود و با همکاری کارشناس‌های راهنمایی و رانندگی، گردشگری و محیط زیست برای آفرودسواران مسیر تعیین کند و این چنین نباشد که هرکسی که یک خودروی دو دیفرانسیل داشت تپه‌ها و کوه‌های این کشور را نابود کند. فقط کافی است به این مسئله توجه کنید که در مناطق کویری هشت هزار جانور به یک بوته متصل می‌شوند و از آن بهره می‌برند. از این رو لکدمال‌کردن یا ردشدن از روی یک بوته کویری تنها نابودکردن یک خار بیابانی نیست بلکه خراب‌کردن چرخه زندگی هشت هزار گونه‌ای است که به آن گیاه متصل بوده‌اند. نکته دیگر درباره حیات در کویر این است که به دلیل گرمای زیاد این منطقه حیوانات و حشرات اغلب در طول روز در زیر خاک زندگی می‌کنند و شب‌ها بیرون می‌آیند. از این رو جـولان‌دادن خودروها در مناطق کویری به معنی خراب‌کردن خانه بر سر انواع حیوانات و حشراتی است که لای شن‌ها زندگی می‌کنند. در واقع حرکت هر خودروی آفرود در کویر به معنی قتل‌عام شیزیان این زیستگاه است. از این رو کویرهای ایران که فعلا بهشت آفرودسواران است در سایه قانـون سفت و سخت و جریمه‌های سنگین و همچنین فراهم‌آوردن امکانات و نیروی انسانی کافی برای محیط‌بانان و حافظان محیط زیست و حیات وحش می‌تواند برای حیوانات و ساکنان اصلی‌اش امن و آرام شود و در غیر اینـ صورت هر چند مساه یک بار باید منتظر انتشار چنین ویدئوهای ناراحت‌کننده‌ای باشیم.

روابط عمومی آسایشگاه خیریه کهریزک

شماره های تماس: ۲-۵۶۵۲۳۱۳۱ و ۴۲۱۱۱۴